

موج نفت

تاریخ نفت ایران از امتیاز تا قرارداد

احمد راسخی لنگرودی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۸۴

راسخی لنگرودی، احمد، ۱۳۳۸ -

موج نفت، تاریخ نفت ایران از امتیاز تا قرارداد / احمد راسخی لنگرودی - تهران:
اطلاعات، ۱۳۸۴.

۲۸۷ ص.

ISBN 964 - 423 - 584 - 3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۸۵ - ۲۸۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. نفت - ایران - تاریخ. ۲. نفت - ایران - صنعت و تجارت - جنبه های سیاسی.

۳. نفت - ایران - صنعت و تجارت - قراردادها. الف. مؤسسه اطلاعات.

ب. عنوان. ج. عنوان: تاریخ نفت ایران از امتیاز تا قرارداد.

۳۸۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵

HD ۹۵۷۶ / الف ۹۲ ر ۱۶

۸۴ - ۱۷۱۶۰

کتابخانه ملی ایران



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۳۹۹۵۱۱۹۹

تلفن: ۲۹۹۹۳۲۴۲

تلفن: ۲۹۹۹۳۲۴۲

فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب اسلامی، روی روی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۴۰۷۳۳

موج نفت (تاریخ نفت ایران از امتیاز تا قرارداد)

نوشته احمد راسخی لنگرودی

ویراستار: محمدحسین خسروانی

حروف نگار: کافیه بیدج

مصحف پرداز: فاطمه حلوانی

حروف نگاری، چاپ و مصافی، مؤسسه اطلاعات

شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۸۴

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

ISBN: 964-423-584-3

شابک: ۹۶۴-۳۲۳-۵۸۴-۳

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	فصل اول - نخستین امتیازات نفتی
۱۵	قرارداد هوتز
۱۶	قرارداد رویتر
۲۰	ارزیابی خارجیان از امتیاز رویتر
۲۱	واکنش روس‌ها در برابر قرارداد نامه
۲۳	مخالفت با امتیاز رویتر و واکنش مثبت شاه
۲۶	عکس‌العمل رویتر بعد از لغو امتیاز
۲۷	امتیاز بانک شاهنشاهی
۳۳	فصل دوم - امتیازی که موضوع بحث محافل سیاسی جهان شد
۳۳	امتیاز داری
۳۸	آغاز حفاری در مناطق نفت خیز ایران
۵۰	ویژگی و اهمیت چاه‌های نفت مسجد سلیمان

- ۵۲ خروج روباه از کمینگاه
- ۶۳ قرارداد جدید با شرکت نفت انگلیس و ایران
- ۶۷ الغای امتیاز داری
- ۶۹ تصمیمی که خشم انگلیس را برانگیخت
- ۷۲ حضور در ژنو
- ۷۷ از سرگیری مذاکرات در تهران
- ۸۶ ارزیابی قرارداد ۱۳۱۲
- ۹۰ بروز تنش های سیاسی میان ایران و انگلستان
- ۹۳ گسترش عملیات نفتی و بروز اختلافاتی دیگر
- ۹۷ فصل سوم - ورود قدرت های دیگر به عرصه نفت ایران
- ۹۷ رقابت شرکت های آمریکائی
- ۱۰۰ روس ها هم به میدان آمدند
- ۱۱۱ شوروی و امتیاز نفت شمال
- ۱۱۹ موافقت نامه قوام - سادچیکف و ختم غائله باروس ها
- ۱۲۷ فصل چهارم - تجدید نظر در قرارداد ۱۳۱۲
- ۱۳۱ لایحه گس - گلشائیان
- ۱۳۳ آخرین تلاش ها برای تصویب قرارداد الحاقی
- ۱۳۷ فصل پنجم - چند گام تا ملی شدن صنعت نفت ایران
- ۱۳۷ سرنوشت لایحه الحاقی در مجلس شانزدهم
- ۱۴۱ استیضاح رزم آرا در مجلس
- ۱۵۲ باز تاب خبری قتل رزم آرا
- ۱۵۴ طهماسبی پس از ترور
- ۱۵۷ فصل ششم - قانون ملی شدن نفت و سرگذشت آن
- ۱۵۷ به نام سعادت ملت ایران

- ۱۵۸ بازتاب ملی شدن صنعت نفت در مطبوعات خارجی
- ۱۶۲ نخست‌وزیری حسین علا
- ۱۶۳ تصویب قانون ۹ ماده‌ای
- ۱۶۵ مخالفت انگلستان با ملی شدن نفت
- ۱۶۹ فصل هفتم - زمامداری مصدق و اجرای قانون خلع ید
- ۱۶۹ استعفای حسین علا و زمامداری دکتر مصدق
- ۱۷۳ خلع ید و خروج انگلیسی‌ها از ایران
- ۱۷۶ واکنش دولت انگلستان در برابر جریان خلع ید
- ۱۸۱ میانجیگری آمریکا
- ۱۸۶ مخالفت‌های داخلی با سیاست‌های دکتر مصدق
- ۱۹۱ چالش در شورای امنیت
- ۱۹۸ گزارش سفر هیأت اعزامی در مجلس
- ۲۰۱ قطع رابطه سیاسی با انگلستان
- ۲۰۲ مالیات آبادان!
- ۲۰۳ پیروزی ایران در دادگاه لاهه
- ۲۰۹ فصل هشتم - کناره‌گیری مصدق از قدرت و بازگشت مجدد وی
- ۲۰۹ استعفای مصدق و به سرکار آمدن قوام
- ۲۱۵ اقدامات قوام السلطنه پس از دریافت حکم نخست‌وزیری
- ۲۱۶ قیام سی تیر و پیامدهای آن
- ۲۱۸ بازگشت مصدق به قدرت
- ۲۲۰ از سرگیری مذاکرات نفت
- ۲۲۱ پیام مشترك ترومن و چرچیل
- ۲۲۲ مخالفت مصدق
- ۲۲۳ پیشنهادهاى تازه

- ۲۲۶ قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس
- ۲۲۹ تصویب لایحه تمدید اختیارات
- ۲۳۱ بن بست در مذاکرات و انحلال مجلس
- ۲۴۱ فصل نهم - کودتا...
- ۲۴۱ وقوع دو کودتا
- ۲۴۲ کودتای نافرجام ۲۵ مرداد
- ۲۴۵ کودتای ۲۸ مرداد و پایان ماجرا
- ۲۴۷ دلایل عدم واکنش دولت در برابر کودتاجیان
- ۲۴۹ اسرار پنهان کودتا
- ۲۵۲ هزینه کودتا
- ۲۵۵ فصل دهم - آغازی دوباره...
- ۲۵۵ به سرکار آمدن زاهدی و نفوذ غول‌های نفتی
- ۲۶۱ سیل انتقادات به کنسرسیوم
- ۲۶۷ قرارداد «سن موریتس»
- ۲۷۱ فصل یازدهم - قانون نفت، قراردادهای نفتی و پیشنهادات عاشقانه
- ۲۷۱ تصویب قانون نفت
- ۲۷۴ تجدید نظر در قانون نفت ایران
- ۲۷۵ قراردادهای مشارکت
- ۲۸۱ قراردادهای خدمت
- ۲۸۵ منابع و مآخذ

مقدمه

از آغاز دهه ۱۲۶۰ موج نفت در ایران پدید آمد. این موج تا چند دهه اوضاع سیاسی، اقتصادی و بعضاً اجتماعی ایران را متأثر کرد و شرایطی را موجب گشت که برون رفت از آن را با دشواری ممکن ساخت. پدید آورندگان این موج را سه قدرت خارجی آن روزگار یعنی انگلستان، روسیه و آمریکا تشکیل می دادند. هر يك از آن قدرت ها بر حسب ظرفیت و توان خود به نوبت در مسیر سهم خواهی از خوان گسترده نفت موج آفرینی کردند و در فرصت های ممکن ترفندها در جهت دستیابی بر منابع نفتی ایران به کار بستند و توان خود را در این میدان آزمودند که هر يك منشأ و خاستگاه رویدادهای تاریخی در جغرافیای ایران شد.

به یقین اگر خطه خوزستان با فوران شگفتی آور ماده حیاتی نفت مواجه نمی شد و نخستین بهره جذاب خود را به جهانیان عرضه نمی داشت، هیچ گاه موجی این چنین بلند و دامنه دار در تاریخ سیاسی و بعضاً اجتماعی ایران در

نمی گرفت و فصل بلندی از تاریخ ایران را رقم نمی زد.

خاك تفتیده جنوب از آن هنگام که مایع سیاه رنگش را هم چون مایده ای زمینی به شیفتگان ارزانی داشت، خود را برای مدت ها در چنگال بیگانگان گرفتار دید. به راستی چه رویدادی می توانست اقلیمی را تا بدین حد با قدر و گرانسنگ جلوه دهد و کانون توجهات و کشمکش های سیاسی گرداند؟
چه چیز یارای آن را داشت که در خطه ای، کم نصیب از سبزی و لطافت طبیعت، این همه ارزشمندی بیافریند و نظر و توان آدمی را تا آن سوی مرزها به خود معطوف دارد؟!؟

مصاحبه روزنامه نگار ایرانی با وزیر خارجه وقت دولت انگلستان در آستانه ملی شدن نفت، به گونه ای دیگر پاسخ این پرسش را مطرح ساخت:
روزنامه نگار ایرانی از «مستر بوین» وزیر خارجه انگلیس پرسید: «شما از جان ما چه می خواهید؟ چرا نمی گذارید مردم این کشور روی آسایش ببینند؟ چرا این باندهای فاسد و سیاه کار را تقویت می کنید؟ چرا نمی گذارید يك حکومت ملی و علاقه مند و دلسوز به حال ملت ایران تشکیل گردد و چرا هر روز شکاف بین حکومت ها و ملت را زیادتر می کنید، چرا و چرا و چرا...؟!... از جان ما چه می خواهید!؟»

وزیر خارجه انگلستان در جواب با خونسردی و آرامش تمام می گوید:
اوایل، اوایل، اوایل!! (نفت، نفت، نفت!!)

بی تردید چنانچه شریان اقتصادی ایران از این ثروت حیاتی برخوردار نمی شد هیچ گاه عرصه های سیاسی، اجتماعی و نظامی کشور این چنین جریانات رنگارنگ تاریخی را در زمانی متجاوز از نیم قرن، تجربه نمی کرد. آری، به موجب چنین دارایی بود که این سرزمین در چند دهه، کانون حوادث

شد و از جانب شرق و غرب در معرض تهدید و فشار قرار گرفت و مجبور به اعطای امتیاز شد. اما خوشبختانه ایران در میان آن همه گرانباری، راه کمال خود را یافت و در آن مسیر کوشا و پرتوان به پویه برخاست.

در این کتاب سعی شده است با نظری گنرا بر بیش از نیم قرن از حوادث تلخ و شیرین صنعت نفت، در حد توان دریچه‌ای هر چند باریک به صحنه‌های درس آموز اما فرو خفته تاریخ باز گشاییم و دیروز این صنعت را با تمام فراز و نشیب‌های آن باز شناسیم تا معلوم آید چه سان این صنعت بزرگ از میان حوادث و مرارت‌های نفس گیر دوران سر بر افراشت و خود را به اکنون و امروز مارساند.

از نخستین حرکت نفوذی بیگانگان در سفره‌های زیرزمینی ایران در سال ۱۲۶۳ تا اعطای امتیاز داری در سال ۱۲۸۰ که برای چند دهه موضوع بحث محافل سیاسی جهان شد، از عقد قرارداد با شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۳۱۲ تا سرود استقلال و خودیابی این صنعت در ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ که برای همیشه در خاطره ایران و ایرانی باقی است و نیز از وقوع کودتای نامیمون ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ و انعقاد قرارداد کنسرسیوم در سال بعد تا تصویب نخستین قانون نفت در سال ۱۳۳۶ و آزمون تجربه‌های نوین در قراردادهای نفتی تحت عنوان مشارکت و خدمت، همه و همه، از جمله سرفصل‌های مهم رویدادهای تاریخ نفت ایران را تشکیل می‌دهند که شرح هریک از آن‌ها در این مجموعه آورده شده است.

علاقه‌مندی نگارنده به تاریخ نفت و قلم‌زدن در این وادی به سال‌های ۷۸ تا ۸۱ باز می‌گردد که طی پیشنهادی به تحریریه «مشعل»، نشریه رسمی وزارت نفت، در زمره نویسندگان آن نشریه قرار گرفت. در آن سال‌ها جناب

آقای امیر غیاثوند، رئیس انتشارات اداره کل روابط عمومی و در نقش سردبیر آن مجله، راقم این سطور را به نوشتن در حول این موضوع در صفحه ثابت «برگی از تاریخ» ترغیب و تحریر کرد. شروع این کار ناخواسته نگارنده را به جایی کشاند که قریب ۳ سال به طول انجامید. کتاب حاضر با قدری افزایش و پیرایش پاره‌ای مطالب، حاصل همان کاری است که در آن سال‌ها انجام گرفت.

این نوشتار اگرچه به قصد بازخوانی فصل‌های متنوع تاریخ نفت ایران با به عرصه روایتگری نهاد و با عزم بازگشایی زبان تاریخ، باری کوچک بر دوش کشید، اما هم چون بسیاری از روایت‌های تاریخی دیگر از نقایص و کاستی‌های احتمالی عاری نبوده و نیست. باشد که فرصتی را برای گام نهادن در عرصه بازشناسایی گستره تاریخ نفت ایران فراهم آورد. با این یادآوری که بازخوانی هر فصلی از تاریخ هر چند بار هم که ممکن شود، مغتنم و در برابر عطش سیری ناپذیر خیل مشتاقان و علاقه‌مندان، کاری لازم و بایسته است.

احمد راسخی لنگرودی

تابستان ۱۳۸۳